

## Research Article

# An Evaluation of Validity of the Transaction on the Platform of Information and Communication Technology With an Emphasis on the condition of succession in demand and acceptance

Majid Esmacili<sup>1</sup>

Received: 05/10/2022

Accepted: 27/03/2023



### Abstract

In recent years, due to the expansion of information and communication technology, making money through the transaction of goods and services on this platform has been greatly promoted, in such a way that everyday users are encouraged to do this type of transactions through the many advertisements of startups. Placing these transactions on programmed internet and telecommunication systems that lack real components and accesses has made human intervention in it to a minimum and it leads to creating a space and time distance between the elements of the transaction, including demand and acceptance. However, according to the view of some jurists, the condition of the validity of the transaction is succession in demand and acceptance. Using the descriptive-analytical method, this

---

1. Student of Level Four in Islamic Seminary, Qom, Iran. majidesmaeili1991@yahoo.com.

\* Esmacili, M. (1402 AP). An Evaluation of the Validity of the Transaction on the Platform of Information and Communication Technology with an Emphasis on the condition of succession in demand and acceptance. *Journal of Fiqh*, 30(113), pp. 151-181. Doi:10.22081/jf.2023.65006.2566.

● © Author (s). This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited..

article has analyzed the quality of its realization in the transaction on the platform of information and communication technology, while weakening the condition of succession in the contract, and has considered earning money in this way as valid.

**Keywords**

Internet Transactions, Condition of Validity of Contract, Succession in Transactions, Demand and Acceptance, the Condition of Succession.



### مقاله پژوهشی

## ارزیابی صحت معامله بر بستر فناوری اطلاعات و ارتباطات با تأکید بر اشتراط موالات در ایجاب و قبول

مجید اسماعیلی<sup>۱</sup>

© Author (s)



تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۳

### چکیده

در سال‌های اخیر با توجه به گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات، کسب درآمد از طریق معامله کالا و خدمات بر این بستر، رونق فراوانی یافته است؛ به گونه‌ای که همه‌روزه کاربران از طریق تبلیغات فراوان استارت‌آپ‌ها، به انجام این دسته از معاملات تشویق می‌شوند. قرار گرفتن این معاملات بر سامانه‌های اینترنتی و مخابراتی برنامه‌ریزی شده که فاقد مؤلفه‌ها و دسترسی‌های واقعی هستند، موجب شده تا دخالت انسانی در آن به حداقل برسد که رهاورد آن، ایجاد فاصله مکانی و زمانی میان ارکان معامله و از آن جمله ایجاب و قبول است. درحالی‌که به اعتقاد بعضی از فقیهان موالات در ایجاب و قبول، شرط صحت معامله به شمار می‌رود. این نوشتار با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، ضمن تضعیف اشتراط موالات در عقد، کیفیت تحقق آن در معامله بر بستر فناوری اطلاعات و ارتباطات را تحلیل کرده و حکم به صحت کسب درآمد از این طریق کرده است.

### کلیدواژه‌ها

صحت، معامله، فناوری اطلاعات و ارتباطات، معامله در فناوری اطلاعات و ارتباطات، موالات.

majidesmaeili1991@yahoo.com

۱. دانش‌پژوه سطح چهار حوزه علمیه، قم، ایران.

\* اسماعیلی، مجید. (۱۴۰۲). ارزیابی صحت معامله بر بستر فناوری اطلاعات و ارتباطات با تأکید بر اشتراط موالات در ایجاب و قبول. فصلنامه علمی - پژوهشی فقه، ۳۰(۱۱۳)، صص ۱۵۱-۱۸۱.

Doi:10.22081/jf.2023.65006.2566

کسب درآمد از معامله بر بستر فناوری اطلاعات و ارتباطات و یا به اختصار فاوا، یکی از شیوه‌های نوین کسب و کار بوده که در سال‌های اخیر به‌عنوان یکی از مصادیق اقتصاد دانش‌بنیان، در سطوح گوناگون جامعه توجه زیادی را به خود جلب کرده است؛ چه این که استارت‌آپ‌ها با استفاده از ابزارهای ارتباطی مانند وبگاه‌های اینترنت و خطوط تلفن ثابت و همراه، کالا و خدمات خود را در معرض استفاده کاربران قرار داده و برای جذب مشتری، تبلیغات فراوانی را در رسانه‌های گروهی به راه انداخته‌اند. از سوی دیگر اقشار گوناگون جامعه نیز با توجه به راحتی استفاده از این شیوه‌ها، اقبال ویژه‌ای نسبت به این شیوه دریافت کالا و خدمات نشان داده‌اند و همین امر باعث شده تا این سازوکار به یکی از تجارت‌های پر سود و جنبه‌های اصلی اقتصاد دانش‌بنیان تبدیل شود. شیوع سازوکار یادشده به‌عنوان یکی از مصادیق نوپدید کسب درآمد در جامعه اسلامی باعث می‌شود تا علم فقه به‌عنوان ابزار تحقق زندگی دینی، در صدد پاسخ به پرسش‌های پیرامون این موضوع و تطبیق آن با مبانی اسلامی برآید؛ زیرا از آنجا که استارت‌آپ‌های کسب درآمد بر بستر فاوا، فرآیند مورد نظر را بر سامانه‌های خودکاری طراحی می‌کنند که از مباشرت انسانی بی‌نیاز است، ممکن است برخی شرایط معتبر در عقد و معامله در آن رعایت نشود.

«موالات در ایجاب و قبول» یکی از شرایطی است که به اعتقاد بسیاری از فقیهان، صحت معامله متوقف بر آن بوده و فقدان آن منجر به فساد معامله می‌شود (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۵۸). در حالی که قرار گرفتن این دسته از معاملات بر بستر فاوا و ویژگی‌های ناشی از آن، به خصوص بُعد مکانی و زمانی محتمل میان ایجاب موجب و قبول قابل، این پرسش را به ذهن می‌آورد که صحت این معاملات با توجه به اشتراط موالات چگونه ارزیابی می‌شود؟ پاسخ به این پرسش، متوقف بر شناخت سازوکار معامله بر بستر فاوا، بررسی ادله اشتراط موالات و نسبت‌سنجی میان آنهاست.

موالات به‌عنوان شرط صحت عقد، در منابع فقهی امامیه، از قدما تا گذشتگان مورد بحث و بررسی مفصل قرار گرفته است. به‌گونه‌ای که بسیاری از ایشان به این شرط

اشاره داشته و آن را پذیرفته‌اند. درحالی که برخی دیگر شرطیت موالات را نپذیرفته و بقای موجب بر ایجاب خود را در صحت عقد کافی دانسته‌اند. باید توجه داشت که پیرامون شرطیت موالات در معاملاتی که در سال‌های اخیر بر بستر فاوا انجام می‌شود و نیز کیفیت مراعات آن، با توجه به نوپدیدبودن این دست از معاملات، تحقیق کاملی در آثار فقهی مشاهده نمی‌شود. البته برخی از محققین به این بحث پرداخته و پس از انکار شرطیت موالات، قائل به صحت معاملات الکترونیکی از این جهت شده‌اند (خادمی کوشا، ۱۳۹۷). درحالی که اولاً مبادی تصویری و مفاهیم بحث به نحو کافی تنقیح نشده و به همین جهت تصویر دقیقی از موضوع بحث ارائه نمی‌شود. ثانیاً تبیین و تحلیل سازوکار معامله بر بستر فاوا که تأثیر اساسی در مسیر بحث دارد مغفول مانده و به ماهیت آن توجهی نشده است؛ چه این که اگر این دسته از معاملات به معاطات توصیف شوند، اساساً جایی برای نزاع اشتراط موالات باقی نمی‌ماند؛ همچنین در صورتی که با بهره‌گیری از کفایت کتابت یا انشای فعلی در تحقق عقد، معاطات بودن آن انکار شود، می‌توان موالات را در آن تصویر نمود. ثالثاً ادله اشتراط موالات به طور دقیق مورد بررسی و تحلیل قرار نگرفته‌اند؛ از این رو تطبیق آن با معامله بر بستر فاوا نیز چندان دقیق نیست؛ بنابراین می‌توان نوشتار حاضر را که با روش توصیفی-تحلیلی به این بحث پرداخته، دارای نوآوری و دقت لازم در بررسی این موضوع به شمار آورد.

## ۱. مفهوم‌شناسی

### ۱-۱. صحت

صحت در لغت به معنای براءت از هرگونه عیب و ریب بوده (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۱۴) و هر چیزی که عاری از نقص باشد را صحیح گویند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۰۸). صحت در اصطلاح فقیهان به مطابقت با اعتبارات و شرایط شارع و ترتب اثر مطلوب معنا شده است (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، صص ۱۸۲-۱۸۴؛ غروی نائینی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۴۵۶؛ حلی، ۱۴۳۲ق، ج ۴، ص ۲۴۵؛ بجنوردی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۵۸۸)؛ به طور مثال اگر اثر مطلوب از انجام خرید و فروش انتقال ملکیت بوده و شرایطی هم از سوی شارع برای آن در نظر گرفته

شده باشد، زمانی ببع صحیح خواهد بود که شرایط رعایت شده و در نتیجه اثر آن یا همان انتقال ملکیت صورت پذیرد؛ بنابراین منظور از فساد به‌عنوان نقطه مقابل صحت، عدم تطابق با اعتبارات و شرایط شارع و عدم ترتب اثر مطلوب خواهد بود.

### ۲-۱. معامله

«معامله» مصدر باب مفاعله از ماده «عمل» بوده که اهل لغت آن را به معنای فعل (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۴۵؛ فیومی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۳۰) و فعل اختیاری همراه با قصد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۸۷) دانسته‌اند. با توجه به این که معنای غالبی باب مفاعله مشارکت در ماده است (نظام الاعرج، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۴۳)، می‌توان چنین نتیجه گرفت که معامله از نظر لغت عبارت است از فعلی که از روی قصد و اختیار، از سوی دو یا چند نفر واقع شود. هر چند فقیهان عبارات گوناگونی در تعریف فقهی معامله دارند (ن.ک: عاملی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۵؛ عاملی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۷۶۷؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۱۳۶؛ نجفی کاشف الغطاء، ۱۳۵۹ق، ج ۱، ص ۱۱۳)؛ اما می‌توان گفت معامله عملی است که غرض آن مالی بوده و تحقق آن متوقف به طرفین باشد (نجفی کاشف الغطاء، ۱۳۵۹ق، ج ۱، ص ۱۳). بر این اساس عقود تنها مصداق این تعریف از معامله‌اند.

### ۳-۱. فناوری اطلاعات و ارتباطات

واژه «فناوری» مرکب از «فن» و «آوردن» است که اهل لغت، اولی را به حال، گونه، صنعت، صنعت، علم و هنر (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۱، ص ۱۷۲۲۰) و دومی را به چیزی را از جایی به جای دیگر رساندن، پدید آوردن، ظاهر کردن، در میان نهادن و تولید معنا کرده‌اند (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۳۷)؛ همچنین خصوص «آور» را به معنای بسیار، پر، مالک، صاحب و دارا نیز معنا کرده‌اند (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۳۴)؛ بنابراین واژه فناوری می‌تواند بیانگر فراوانی علم و صنعت، چیز دارای علم و صنعت، چیز ابداع شده به وسیله علم و صنعت یا علم به صنایع و حرفه‌ها باشد. با توجه به همین نکات، فناوری را بر تجهیزات و روش‌های علمی مورد استفاده در حیطه‌ای خاص، اطلاق نمود. واژه «اطلاعات» نیز که

جمع مؤنث سالم از اطلاع، به معنای اشراف بر چیزی (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۱)، آگاهی یافتن بر آن (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۲۳۵)، وقوف یافتن (طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۳۶۸) و آشکارشدن (قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۲۲۹) است، در فارسی به معنای دانستنی‌ها، معلومات و اخبار به کار می‌رود (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۸۷۴)؛ همچنین واژه «ارتباطات» جمع مؤنث سالم از ارتباط بوده که مصدر باب افتعال از ربط، به معنی شدت و ثبات (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۸۷) و بستگی چیزی به جایی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۳۸) بوده که در فارسی به معنای چیزی را با چیز دیگر بستن (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۶۳۴) به کار می‌رود. بر این اساس فناوری اطلاعات و ارتباطات از نظر لغوی عبارت است از تجهیزات و روش‌های علمی که در حوزه آگاه‌سازی، انتقال دانستنی‌ها و اخبار و پیوند دادن افراد با یکدیگر به کار گرفته می‌شوند. می‌توان گفت که معنای اصطلاحی فناوری اطلاعات و ارتباطات از معنای لغوی آن چندان دور نیست؛ چه این که در تعریف اصطلاحی آن گفته‌اند: همه ابزارها و روش‌هایی که اطلاعات را دریافت، ذخیره، پردازش و مبادله می‌کنند و در راستای ایجاد ارتباط مورد استفاده قرار می‌دهند.

#### ۴-۱. موالات

«موالات» مصدر باب مفاعله از ماده «ولی» به معنی نزدیکی (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۶، ص ۲۵۲۸) و عدم وجود فاصله میان دو یا چند چیز (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۸۵) است؛ بنابراین می‌توان موالات را به متابعت و دنبال‌هم‌بودن معنا نمود (حسینی زبیدی واسطی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۰، ص ۳۱۲). موالات در اصطلاح فقه معاملات نیز معنایی جز آنچه در لغت گفته شده ندارد. با این توضیح که از آنجا که عقد، مرکب از ایجاب و قبول بوده و امری تدریجی‌الوجود است که عرف به اتصال میان اجزای آن حکم می‌کند، به گونه‌ای که می‌توان آن را کلامی واحد تلقی نمود که بخشی از آن توسط موجب و بخش دیگر آن توسط قابل ادا می‌شود، بایستی اجزای آن بدون فاصله، در کنار هم و در ارتباط با یکدیگر قرار گیرند (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، صص ۱۵۹-۱۵۸). به این ارتباط، توالی ایجاب و قبول یا موالات در عقد گفته می‌شود (مشکینی، بی‌تا، ص ۵۱۹).

## ۵-۱. ایجاب و قبول

«ایجاب» مصدر باب افعال از ماده «وجب» به معنی واقع شدن (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۸۹)، ثابت شدن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۵۳) و لازم شدن (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۳۱) است. ایجاب را می‌توان به خواستن فعل به صورت حتمی و انجام آن معنا نمود (عبدالرحمان، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۴۰). در اصطلاح فقهی به کلامی که یکی از طرفین معامله، ابتدائاً و به جهت انشای تصرف و ایجاد عقد بیان کند، ایجاب گفته می‌شود (نجفی کاشف الغطاء، ۱۳۵۹ق، ج ۱، ص ۱۱۶). «قبول» نیز مصدر ثلاثی مجرد از ماده «قبل» به معنی مواجهه چیزی با چیزی (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۵۱)، مواجهه شدن با چیزی از روی رضایت و پذیرش و به تعبیر دیگر، پذیرفتن آن است (مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۹، ص ۱۸۶). در اصطلاح نیز به کلماتی گفته می‌شود که بر پذیرش تصرف انشاشده از سوی طرف دیگر معامله دلالت می‌کند (سعدی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۹۴). ایجاب و قبول، هر کدام از ارکان عقد به شمار می‌روند؛ به گونه‌ای که بدون تحقق آن دو، عقد محقق نمی‌شود (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۷۴۴).

## ۲. سازوکار معامله بر بستر فناوری اطلاعات و ارتباطات

بیشتر افراد فناوری اطلاعات و ارتباطات را مترادف با رایانه می‌دانند. این تلقی از آنجاکه رکن این فناوری رایانه است، چندان دور از واقعیت نیست؛ اما به دلیل این که تنها بیانگر گوشه‌ای از موضوع است، با واقعیت تفاوت دارد؛ زیرا ابزارهای مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات، مشخصاً رایانه‌ای نیستند. توضیح آنکه پس از اختراع رایانه و رشد شبکه‌های رایانه‌ای، از پیوند قدرت محاسباتی رایانه و امکان پردازش اطلاعات، فناوری اطلاعات متولد شد. سپس از هم‌گرایی آن با سامانه‌های مخابراتی و اضافه شدن بسترهای ارتباطی جدید، فناوری اطلاعات و ارتباطات خلق شد؛ بنابراین شاخصه اصلی میان تمام کاربردهای گوناگون فناوری اطلاعات و ارتباطات، جریان و پردازش اطلاعات در راستای ایجاد ارتباط است.



فناوری یادشده در سال‌های اخیر به‌عنوان بستری برای کسب درآمد و معامله تبدیل شده است. اضلاع اصلی کسب درآمد از معامله بر بستر فاوا، اپراتورهای آی سی تی و استارت‌آپ‌های ارائه‌دهنده هستند. به این صورت که اپراتور آی سی تی در مقابل دریافت هزینه، یک سامانه بر خط به‌عنوان «پایگاه اینترنتی» یا سامانه مخابراتی «تماس صوتی» یا «ارسال و دریافت پیامک» را که متصل به یک یا چند شماره تلفنی مخصوص است، بنا بر درخواست استارت‌آپ در اختیار او می‌گذارد. استارت‌آپ نیز با طراحی معامله مدّ نظر خود، اعم از ارائه کالا یا خدمات و قرارداد آن بر روی سامانه، از کاربران می‌خواهد تا با مراجعه به پایگاه اینترنتی یا اپلیکیشن تلفن همراه یا اتصال به شماره‌های مخابراتی مذکور، به سامانه متصل شده و از آن استفاده کنند. زمانی که کاربر به سامانه متصل شود، بر اساس معیار تعریف شده در سامانه، هزینه‌هایی به صورت پرداخت اینترنتی یا حضوری یا به وسیله اعمال بر روی قبض تلفن ثابت یا همراه یا در صورت استفاده از خطوط اعتباری با کسر از اعتبار وی از او دریافت می‌کنند؛ بنابراین سامانه‌های مذکور با توجه به نحوه عملکرد بر سه گونه‌اند: برخی از آنها کالا یا خدمات را بر بستر پایگاه متصل به شبکه اینترنت، اعم از سایت‌ها یا اپلیکیشن‌های تلفن همراه ارائه می‌کنند؛ به نحوی که کاربر با ورود به سایت یا اپلیکیشن می‌تواند کالا یا خدمات مورد نظر را سفارش داده و یا در مواردی به طور مستقیم از خدمات استفاده نماید. برخی دیگر از آنها بر پایه تماس صوتی خدماتی را ارائه می‌دهند که کاربر با استفاده از تلفن ثابت و همراه می‌تواند از آن استفاده کند؛ به این صورت که وقتی کاربر شماره مخصوص را گرفته و به سامانه متصل می‌شود، با تلفنی گویا مواجه خواهد شد که سفارش کالا یا خدمات را ثبت کرده و یا خدمات مورد نظر را به صورت صوتی ارائه می‌نماید. برخی دیگر از سامانه‌ها خدمات خود را بر پایه پیام کوتاه ارائه می‌دهند که مخصوص کاربرانی است که تلفن همراه دارند؛ به این صورت که کاربر با ارسال پیامک به شماره مخصوص و درخواست کالا یا خدمات، به سامانه متصل شده و سفارش خود را ثبت کرده و یا خدمات مورد نظر خود را در قالب پیامک دریافت می‌کند.

توجه به مطالب یادشده، چند نکته مهم پیرامون معامله بر بستر فاوا به دست می‌دهد: اولاً، از آنجا که استارت‌آپ‌ها نسبت به ارائه کالا یا خدمات و کاربران نسبت به پرداخت هزینه آن متعهد هستند، سازوکار مورد بحث از سنخ عقود معاوضی بوده و با توجه به این که مفاد آن تبادل ملکیت عوضین است، عقد تملیکی به شمار می‌رود؛ بنابراین معامله‌ای که در این بین واقع می‌شود، ایقاع نیست تا در تحقق آن، ایجاب کفایت کرده و از قبول مستغنی باشیم؛ چه این که در صورت بی‌نیازی از قبول، بحث از اشتراط موالات بی‌معناست.

ثانیاً، نظر به این که استارت‌آپ‌ها ابتدائاً به ارائه کالا یا خدمات خود بر سامانه‌های فاوا اقدام می‌کنند، ایجاب عقد از سوی آنها محقق شده و کاربران با اتصال به سامانه و استفاده از کالا یا خدمات، قبول‌کننده آن هستند.

ثالثاً، سامانه‌های ارائه کالا یا خدمات، بر اساس برنامه‌های از پیش طراحی شده عمل کرده و بسیاری از مراحل آن، بدون دخالت انسان انجام می‌شود؛ از این رو زمانی که کاربران به سامانه متصل می‌شوند، در حال قبول کردن ایجابی هستند که مدتی قبل انشاء شده است؛ بنابراین با توجه به این که انجام فرآیند معامله در بازه زمانی موسعی انجام می‌شود، شاید بتوان این سازوکار را از جمله عقود مستمر دانست، نه آنی. هرچند که عقود معاوضی بیشتر آنی هستند.

رابعاً، با توجه به این که انجام معامله در این سازوکار فاقد ایراد لفظ است، بایستی آن را معاطات بدانیم؛ مگر آن که به کفایت انشای فعلی در تحقق عقد حکم کنیم. لازم به ذکر است که در صورت حکم به معاطات، از آن جهت که لفظ ایجاب و قبول در آن معتبر نیست، نوبت به اشتراط موالات نمی‌رسد.

### ۳. بررسی اشتراط موالات در عقد

پس از آن که چگونگی سازوکار معامله بر بستر فاوا را دانستیم، بایستی اشتراط موالات در عقد را به منظور اثبات مدخلیت آن در صحت معامله و نیز ارزیابی تحقق آن در

موضوع بحث مورد بررسی قرار دهیم. در این راستا ابتدا باید ادله اشتراط موالات را باز شمرده و سپس به تحلیل آن پردازیم:

### ۳-۱. ادله اشتراط موالات

چنانچه اشتراط موالات در عقد از منابعی چون آیات و روایت‌ها استنباط شود و به تعبیر دیگر، از جمله شروط شرعی بوده که خارج از مفهوم عرفی عقد به شمار می‌روند، اثبات آن در گروهی یک دلیل زائد است. اما چنانچه مرجع استنباط آن نگاه عرف به لزوم اتصال ایجاب و قبول برای تحقق مفهوم عقد باشد، از شروط مقوم مفهوم عرفی عقد محسوب می‌شود. در این صورت در فرض عدم تحقق موالات، به عدم تحقق عقد و عدم ترتب آثار آن حکم می‌شود. در حالی که در فرض پیشین، اصل بر عدم اشتراط موالات است. در هر صورت ادله اشتراط موالات عبارت‌اند از:

### ۳-۱-۱. انصراف عمومات و اطلاقات

ادله امضای عقود، به معاملات متعارف انصراف دارند و متعارف در عقود آن است که میان ایجاب و قبول فاصله نیفتاده و موالات رعایت شود؛ بنابراین عقد فاقد موالات مورد امضای شارع نیست (موسوی قزوینی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۶۱۲؛ شهیدی تبریزی، ۱۳۷۵ق، ج ۲، ص ۹۵)؛ چه این که شارع عقود متعارف را امضا کرده است (مجاهد، بی‌تا، ص ۲۷۲). به تعبیر دیگر عقلاً موالات را در عقد معتبر می‌دانند؛ به نحوی که اگر امروز موجب و قابل در یک مجلس باشند و موجب عقد را انشا نماید، اما قابل سکوت کرده و از مجلس خارج شود و پس از چند روز اقدام به قبول کند، عقلاً این قبول را مربوط به آن ایجاب به حساب نمی‌آورند؛ بنابراین متعارف از معامله آن است که موالات در آن مراعات شود.

این استدلال نه از جهت صغری و نه از جهت کبری قابل قبول نیست؛ زیرا اولاً تعارف موالات در عقود ثابت نیست و حتی برخی عدم تعارف آن را سیره قطعی دانسته‌اند (موسوی خوئی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۵۳). حتی اگر موالات را مورد ارتکاز عرف هم بدانیم، می‌توان چنین ارتکازی را ناشی از حضور متعاملین در غالب معاملات دانست؛ نه



این که عرف موالات را شرط صحت معامله بداند؛ بنابراین طبیعی است در مواردی که معامله بدون حضور طرفین در کنار یکدیگر حاصل شود، موالات نیز اتفاق نخواهد افتاد؛ به طور مثال در معاملاتی که در گذشته میان دو کشور انجام می‌شده، به هیچ عنوان امکان رعایت موالات نبوده و بلکه انجام معامله گاهی چند ماه به طول می‌انجامیده است. البته می‌توان گفت چنین مواردی به متعارف بودن موالات خدشه وارد نمی‌کند؛ چه این که مواردی از این دست، استثنائاتی خارج از قواعد عمومی هستند. از طرف دیگر حتی در این موارد نیز می‌توان موالات را رعایت نمود؛ چه اینکه موالات در هر موردی به حسب آن خواهد بود. ثانیاً زمانی می‌توان از انحصار امضای شارع نسبت به صورت موالات سخن گفت که ثابت شود شارع مقدس تنها اموری را که میان مردم متعارف بوده و تبدیل به سیره عقلاییه یا متشرعه شده امضا کرده است؛ درحالی که ادله امضا، عموماً و اطلاعاتی هستند که چنین انحصاری از آنها فهمیده نمی‌شود. از سوی دیگر متعارف بودن بعضی از مصادیق از آنجا که کثرت وجودی است، نمی‌تواند خاستگاه انصراف استعمالات شده و مطلق را مقید سازد (حسین روحانی قمی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۲۲۶). در واقع انصراف تنها در صورتی می‌تواند مانع اطلاق شود که مربوط به کثرت استعمال باشد. البته در صورتی که نسبت به افراد و مصادیق غالب، تناسب عرفی میان حکم و موضوع وجود داشته باشد و یا انصراف ناشی از مناسبات عرفی و عقلایی باشد، غلبه وجودی نیز می‌تواند خاستگاه انصراف گردد (غروی نائینی، ۱۳۵۲، ج ۱، ص ۵۳۲؛ صدر، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۳۹؛ مظفر، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۱۸۳-۱۸۲؛ محمدی، ۱۴۰۰، ص ۱۲۹؛ جزایری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۷۲۹؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۲۵۲)؛ به شرط آنکه میزان افراد و مصادیق غالب، قابل توجه باشد؛ بنابراین عمده اشکال در تمسک به انصراف عموماً و اطلاعات، اشکال صغروی است؛ درحالی که آن نیز با بیان گذشته قابل دفع است.

### ۳-۱-۲. صدق عرفی مفهوم عقد

اگر ایجاب و قبول با هم و بدون فاصله انجام نگیرند، عقد در نظر عرف محقق نخواهد شد. چه این که اگر ایجاب حاصل شود، ولی طرف دیگر بدون قبول آن از

موجب جدا گردد، عقدی حاصل نشده است (موسوی شریف مرتضی، ۱۴۱۷ق، ص ۳۶۶؛ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۴، ص ۳۶۵؛ مامقانی، ۱۳۱۶ق، ج ۲، ص ۲۵۲). در حالی که ادله امضایی در صورتی شامل یک مصداق می‌شوند که مفهوم عرفی عقد بر آن صدق کند.

در اشکال به این دلیل می‌توان گفت: اولاً، از آنجا که لفظ «بیع» که بیانگر عقدی کامل است، در مقام ایجاب استعمال شده و نیز اینکه استعمال مجازی در مقام ایجاب، موجب بطلان آن است؛ چنانچه عقد بر ایجاب صرف صادق نباشد، لازم آید که استعمال «بعث» در مقام ایجاب، استعمال حقیقی نباشد؛ بنابراین مفهوم عقد با ایجاب موجب به تنهایی حاصل ایجاد می‌شود و قبول قابل شرط تأثیر آن است، نه شرط تحقق (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، صص ۱۳۵، ۲۸۴). ثانیاً، اگر صدق مفهوم عرفی عقد متوقف بر موالات بود، باید هیچ از یک عقود جائر را عقد به شمار نیاورد؛ زیرا موالات تنها در عقود لازم معتبر است (عاملی کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۵۴). ثالثاً، در صورتی استدلال تام خواهد بود که در فرض فقدان موالات، هیئت معامله به گونه‌ای تغییر کند که از نگاه عرفی، سلب عنوان معامله از آن صحیح باشد. در حالی که می‌بینیم عرف، عنوان معامله را بر معاملات باطل نیز اطلاق می‌کند.

البته در پاسخ به اشکال اول می‌توان گفت که مفهوم «بیع» تنها در صورتی معنا می‌یابد که «شراء» نیز صورت گیرد. پس اینکه این لفظ در مقام ایجاب به کار برده شود، به معنی تحقق عقد به صرف ایجاب نیست. از سوی دیگر بطلان ایجاب در صورت حقیقی نبودن استعمال امر مسلمی نیست؛ چه این که بنا بر نظر برخی از اهل لغت، معنای حقیقی «نکاح»، وطی یا بضع بوده و استعمال آن در مورد زواج مجازی است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۶۳؛ جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۱۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۴۷۵؛ حمیری، ۱۴۲۰ق؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۶۲۶؛ حسینی زبیدی واسطی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۲۴۰). برخی از فقیهان عامه و خاصه نیز همین معنا را اختیار کرده (سرخسی، ۱۴۱۴ق، ج ۶، صص ۱۷۵، ۴۰۶؛ زیلعی، ۱۳۱۳ق، ج ۳، ص ۱۸۰؛ عمیره، ۱۴۱۹ق، ج ۸، صص ۶-۴؛ ابن حجر، ۲۰۰۵م، ج ۲۹، ص ۱۶۱؛ مرداوی، ۱۴۱۹ق، ج ۸، صص ۶-۴؛ ابن قدامة، ۱۹۹۷م، ج ۷، ص ۳۳۳؛ حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۴۹۱؛ حلی اسدی، ۱۴۱۳ق «ب»، ج ۷، ص ۵۲۳؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۶) و حتی بر آن ادعای اجماع کرده‌اند (حلی اسدی،

۱۴۱۳ق «ب»، ج ۷، ص ۵۲۳). در مورد اشکال دوم هم باید در نظر داشت که برخی از فقیهان عقود جایز را تنها نوعی اذن به حساب آورده و اطلاق عقد بر آن را نوعی تسامح می‌دانند (غروی نائینی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۹۰؛ ۱۳۷۳ق، ج ۱، ص ۱۱۲).

به نظر می‌رسد اشکال سوم نیز به این بیان قابل دفع باشد که بگوییم صحت سلب عرفی، در مواردی که عدم رعایت موالات به نحو فاحشی ظاهر شود جریان دارد؛ به طور مثال در صورتی که موجب امروز معامله‌ای را انشاء نماید و قابل بدون رد یا پذیرش آن از مجلس معامله خارج شده و پس از شش ماه آن را بپذیرد، به شهادت عرف عنوان معامله صادق نیست.

### ۳-۱-۳. رعایت هیئت اتصالی کلام

همان‌گونه که مستثنی جزء تکمیلی کلام در هیئت استثنا به شمار می‌رود و نباید با مستثنی منه فاصله داشته باشد، قبول نیز که جزء تکمیلی عقد است، باید بدون فاصله ذکر شود (عاملی، بی تا، ج ۱، ص ۲۳۴؛ حلی سیوری؛ ۱۴۰۳ق، ص ۱۶۵)؛ زیرا اموری که تدریجی بوده و به لحاظ عرفی نحوه‌ای از اتصال داشته باشند، برای آنکه حکم شرعی بر آن بار شود، بایستی اتصال عرفی در آن رعایت گردد (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، صص ۱۵۹-۱۵۸). در واقع در عقد که مرکب از ایجاب و قبول بوده و امری تدریجی الوجود و به منزله کلامی واحد است که بخشی از آن توسط موجب و بخش دیگر آن توسط قابل ادا می‌شود، باید موالات رعایت شود (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، صص ۱۵۹-۱۵۸).

اشکال این مطلب این است که مقایسه کردن ایجاب و قبول با هیئت استثنا صحیح نیست؛ زیرا هر کدام از ایجاب و قبول، کلام تامی به شمار می‌رود که سکوت بر آن صحیح است؛ در حالی که مستثنی و مستثنی منه کلام تام یصح السکوت علیهما نیستند و فهم معنای کلام در هیئت استثنا، متوقف بر همراهی مستثنی و مستثنی منه است (موسوی قزوینی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۶۱۱)؛ بنابراین قواعد لفظی و اغراض معنوی موجود در هیئت استثنا یا دیگر عبارات‌ها و ترکیباتی که سکوت بر آن صحیح نباشد، ربطی به ایجاب و قبول ندارد. خصوصاً که عرف به صرف ایراد لفظ ایجاب و قبول، عقد اطلاق نمی‌کند، بلکه

مفهوم «عهد مشدد» که از قصد متعاملین حکایت دارد را در آن دخیل می‌داند (نجفی ابروانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۹۰).

### ۳-۱-۴. لزوم تطابق بین ایجاب و قبول

عقد امری واحد و در عین حال مرکب از دو انشاء و التزام جداگانه، یعنی ایجاب و قبول بوده و اگر این دو با یکدیگر تطابق نداشته باشند، نمی‌توانند آن امر واحد را تشکیل دهند (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۷۵؛ موسوی خوئی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۳۲۵؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۷۳). در فرض عدم رعایت موالات، مفاد ایجاب انتقال ملکیت از یک زمان و مفاد قبول، انتقال ملکیت از زمانی دیگر خواهد بود؛ بنابراین تطابق بین ایجاب و قبول حاصل نمی‌شود. البته واضح است که ملاک در سنجش زمان ایجاب و قبول نگاه عرفی است، نه دقت عقلی (نجفی ابروانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۹۰).

اشکال استدلال فوق این است که اولاً زمان در مفاد ایجاب و قبول داخل نیست؛ ثانیاً تطابق در ایجاب و قبول، بر اساس عبارات فقیهان در موارد خاصی مانند عنوان معامله، عوضین و اجزای آن‌ها، متعاملین و شروط مذکور در عقد مطرح بوده و از آنجاکه ایشان نسبت به مقوله تطابق در زمان بحث نکرده‌اند، شامل آن نمی‌شود (حسینی روحانی قمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۵، ص ۳۵۰).

### ۳-۱-۵. حکم عقل

عقود در بردارنده دو مفهوم نقل و انتقال و ایجاد یک علقه هستند. به همین دلیل باید هم‌زمان با نقل و خلع ملکیت از موجب، انتقال و لبس ملکیت به قابل واقع شود تا علقه حاصل شود؛ چه این که نقل و انتقال دو امر متضایف هستند که محال است یکی بدون دیگری حاصل شود. از همین رو لازم است موالات میان ایجاب و قبول رعایت شود (غروی نائینی، ۱۳۷۳ق، ج ۱، ص ۱۱۱؛ ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۹۱).

لازمه این مطلب آن است که هیچ عقدی در عالم واقع به طور صحیح صورت نگیرد؛ زیرا اضافه بدون مضاف‌الیه محال است؛ خواه فاصله مضاف‌الیه با مضاف،

لحظه‌ای کوتاه باشد یا یک زمان طولانی (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۳۴۲؛ موسوی خوئی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۵۵). به تعبیر دیگر چنانچه با نظر عقلی به نقل و انتقال نگاه کنیم، حتی در صورتی که موالات رعایت شود نیز باز هم فاصله‌ای هر چند اندک میان ایجاب و قبول وجود داشته و میان دو طرف اضافه جدایی خواهد افتاد؛ بنابراین امر محالی که در استدلال به آن اشاره شده، در فرض تحقق و عدم تحقق موالات واقع می‌شود. البته چنانچه مانند برخی از فقیهان تحقق معامله را به صرف ایجاب بدانیم، دیگر نه استدلال عقلی یادشده تام بوده و نه این اشکال وارد خواهد بود؛ زیرا خلع و لبس، هر دو در آن واحد و توسط موجب انجام می‌شود (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۳۴۲)، هر چند معلق بر قبول قابل باشد (موسوی خوئی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۵۵). اشکال مهم‌تر به این استدلال آن است که تملیک و تملک در معاملات، از جمله امور عرفی و اعتباری محسوب می‌شود که امور مربوط به آن از جمله اسباب و اجزاء آن نیز با لحاظ نگاه عرفی در شرع مقدس اعتبار شده‌اند. از همین رو بررسی و مقایسه آن با مبانی و روش‌های عقلی صحیح به نظر نمی‌رسد (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۳۴۲).

### ۳-۲. تحلیل ادله اشتراط موالات

بررسی‌ها نشان می‌دهد که اشتراط موالات در صحت عقد، دلیل روشنی در منابع روایی ندارد؛ در حالی که یکی از مباحث پر ابتلا در معاملات به شمار می‌رود. بلکه بر اساس صحیحۀ سهل ساعدی، می‌توان عدم لزوم رعایت موالات را استنباط نمود. در این روایت زنی به محضر نبی گرامی اسلام ﷺ آمد و گفت: مرا به ازدواج [کسی] در آور. پیامبر ﷺ پرسید: چه کسی با این زن ازدواج می‌کند؟ مردی برخاست و گفت: او را به ازدواج من در آور. پیامبر ﷺ پرسید: آیا چیزی داری که مهریه او قرار دهی؟ مرد گفت: چیزی ندارم. پیامبر ﷺ امتناع کرد. زن دوباره درخواست کرد و مرد دوباره اعلام آمادگی نمود. در مرتبه سوم پیامبر ﷺ فرمودند: «آیا قرآن بلدی؟» مرد گفت: آری! پیامبر ﷺ فرمودند: «او را در ازای تعلیم قرآن به ازدواج تو در آوردم» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۰، ص ۷۲۰). چنانچه مشاهده می‌شود، میان ایجاب و قبولی که میان آن مرد و پیامبر ﷺ منعقد



کرده‌اند، گفتگوهای در مورد مهریه فاصله انداخته است. شبیه همین مضمون، به صورت مرسل نیز روایت شده که عدم رعایت موالات در آن مشهودتر است (احسائی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۲۶۳)؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که موالات در ایجاب و قبول معتبر نیست.

از سوی دیگر ادله‌ای که برای اثبات آن اقامه شده، به جز مورد دوم که قابل دفاع است، پذیرفتنی نیستند. مورد دوم نیز با توجه به اینکه دلیل لبی بوده و روایت سهل ساعدی مخالف آن است، قابل پذیرش نیست. از همین رو آرای فقیهان پیرامون آن گوناگون است؛ چنانکه عده‌ای آن را پذیرفته‌اند (موسوی شریف مرتضی، ۱۴۱۷ق، ص ۳۶۶؛ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۴، ص ۳۶۵؛ حلی اسدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۷، ص ۱۱؛ عاملی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۳۴؛ حلی، ۱۳۸۷ق، ج ۳، ص ۳۸۲؛ حلی سیوری، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۴؛ عاملی کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۳۱۹؛ عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۸۱؛ حسینی عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۶، ص ۳۵۱) و عده‌ای دیگر از آن سخنی به میان نیاورده‌اند (ابن‌براج، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۳۵۰؛ ابن‌زهره، ۱۴۱۷ق، ص ۲۰۷) و یا انکار کرده‌اند (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰، ص ۲۲۹؛ سبزواری، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۶۲۵؛ آل‌عصفور بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۱، ص ۱۳؛ مجاهد، بی‌تا، ص ۲۷۲؛ اصفهانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۸۴؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۱۴، ص ۳۷۹؛ موسوی خوئی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۵۸-۵۶؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۳۴۱). به اعتقاد برخی از فقیهان آنچه در مورد موالات در عقد به‌عنوان شرط اعتبار شده، نبود فاصله زمانی نیست؛ بلکه مهم آن است که موجب بر التزامی که در هنگام ایجاب ابراز کرده باقی باشد؛ بنابراین چنانچه ابراز قبول از سوی طرف دیگر پس از تخلخل فاصله زمانی انجام شود، در صورتی که التزام از سوی طرف ایجاب باقی باشد، برای انعقاد عقد و حکم به صحت آن کافیت. بر اساس این نظریه که با روایت سهل ساعدی نیز قابل جمع است، مهم عدم اعراض موجب از ایجاب است (اصفهانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۸۴؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۱۴، ص ۳۷۹؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۳۴۱؛ شهیدی تبریزی، ۱۳۷۵ق، ج ۲، ص ۱۹۵؛ موسوی خوئی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۵۸-۵۶؛ موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۲). به همین خاطر می‌توان فقیهانی را که به اشتراط موالات تصریح کرده‌اند، اما ملاک آن را عدم فصل به میزانی که موجب از ایجاب خود اعراض کند قرار داده‌اند، از قائلین به همین نظر اخیر دانست (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۹۰؛ تبریزی،

۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۱۸). با توجه به مطالب بیان شده به نظر می‌رسد قول به عدم اشتراط موالات خالی از قوت نبوده و بلکه متعین است. در هر صورت، از تحلیل موالات و ادله آن نکات زیر به دست می‌آید:

اولاً، معیار عدم فاصله در مفهوم موالات، صدق عرفی است، نه دقت عقلی. به همین دلیل فاصله اندکی که عرف آن را نادیده بگیرد، مخلّ به موالات نیست (عاملی کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۹۳).

ثانیاً، ملاک تحقق موالات در عقد وجود ارتباط، اتصال و پیوستگی میان ایجاب و قبول است؛ به صورتی که عرف، قبول را جزء تمام کننده عقد و پاسخی برای ایجاب محسوب کند، نه سخنی جداگانه و مستقل از ایجاب (حلی اسدی، ۱۴۱۳ق «الف»، ج ۲، ص ۴۰۵؛ عاملی کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۳۱۹).

ثالثاً، بر اساس دو نکته اخیر این نتیجه به دست می‌آید که مقدار فاصله مورد نظر امر مشخصی نیست، بلکه امری نسبی است که بر اساس موارد و شرایط گوناگون متفاوت خواهد بود (غروی نائینی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۸۹).

#### ۴. بررسی تحقق موالات در معامله بر بستر فناوری اطلاعات و ارتباطات

همان گونه که گفته شد در کسب درآمد از معاملاتی که بر بستر فاوا انجام شده، از آنجا که در یک سوی معامله استارت‌آپ‌هایی قرار دارند که فعالیت مالی‌شان بر سامانه‌های خودکار و خالی از مباشرت انسانی قرار گرفته است، این شبهه ایجاد می‌شود که موالات در معامله رعایت نمی‌شود؛ چه این که بنگاه‌ها به عنوان موجب، خدمات خود را بر بستر سامانه‌ها و در معرض دسترسی کاربران قرار داده و به این وسیله ایجاب را به صورت فعلی انشاء کرده‌اند. کاربران نیز پس از گذشت زمان از چند دقیقه تا چند ماه، با اتصال به سامانه‌ها ایجاب یاد شده را به صورت فعلی قبول می‌کنند. اگر صحت معامله منوط به رعایت موالات باشد، حکم چنین معاملاتی چه خواهد بود؟ در پاسخ باید گفت: از آنجا که در سازوکار مورد بحث، موجب و قابل لفظی ایراد نمی‌کنند، ارائه خدمات و کالا در قالب معاطات اتفاق می‌افتد که در آن، از آن جهت که لفظی ادا

نمی‌شود، موالات نیز معتبر نخواهد بود؛ زیرا موالات از جمله شروطی است که فقیهان در ادامه الفاظ معامله به آن اشاره کرده‌اند (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۵۸). در حالی که می‌دانیم برای تحقق معاطات، قبض و تصرف در یکی از عوضین همراه با رضایت طرفین به آن کافی است. چنانکه فقیهان در مورد قرارداد اجرت استحمام یا قیمت آب، سبزی و مانند آن در ظروفی که برای آن تدارک دیده شده است، در زمانی که صاحبان آنها حضور ندارند، حکم به تحقق معاطات کرده‌اند (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۱۳). از سوی دیگر، اگر انشای فعلی ایجاب و قبول را در تحقق عقد پذیریم (حسینی مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، صص ۱۴۴، ۱۶۱)، با توجه به این که استارتاپ‌ها و کاربران برای انجام مبادلات خود اقدام به انجام افعال مخصوصی مانند فشردن کلید مخصوصی در رایانه یا تلفن همراه می‌کنند؛ همچنین اگر کتابت را با توجه به این که منظور متعاملین را به خوبی منتقل کرده و منجر به ایجاد نزاع نیز نمی‌شود، در انشای لفظی ایجاب و قبول پذیرفته و اجماع بر خلاف آن را مردود دانستیم (سبحانی، ۱۳۹۶) یا با توجه به عجز عرفی از تکلم در سازوکار مورد بحث، کتابت را تنها در حال عجز از تکلم تجویز نمودیم (ابن‌ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۶۷۸؛ اصفهانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۵۶؛ مروج جزائری، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۳۱۳)، با توجه به اینکه در سامانه‌های طراحی شده توسط استارتاپ‌ها، بیشتر از سخنان و الفاظ مکتوب استفاده می‌شود، صدق معاطات منتفی بوده و آنچه در مورد دیگر عقود جاری است، در این موارد هم جاری خواهد بود. به این صورت که اگر اشتراط موالات را انکار کرده و یا ملاک تحقق آن را «عدم فصل به میزانی که موجب از ایجاب خود اعراض کند» قرار دهیم، معامله بر بستر فاوا باطل نخواهد بود؛ زیرا حتی در مواردی که ماه‌ها از ایجاب فعلی استارتاپ‌ها بگذرد، ایشان از ایجاب خود اعراض نمی‌کنند. شاهد این مطلب نیز استمرار امکان دسترسی کاربران به سامانه‌هاست؛ چه این که اگر استارتاپ‌ها از ایجاب خود منصرف شده بودند، سامانه‌ها را از دسترس کاربران خارج می‌نمودند. اما اگر دیدگاه آن دسته از فقیهان را مدنظر قرار دادیم که رعایت موالات عرفی را شرط صحت عقد می‌دانند، باز هم می‌توان به عدم بطلان معامله حکم نمود؛ زیرا اولاً، ملاک صدق توالی متفاهم عرفی است؛ ثانیاً، تحقق توالی در نگاه عرف نسبت به اقسام

گوناگون عقود متفاوت است؛ چه این که عرف بر این باور است که شرایط عقود گوناگون باعث گوناگونی کیفیت بافت اتصالی آنها می‌گردد. از همین رو کیفیت اتصال میان ایجاب و قبول در معامله بر بستر فناوری اطلاعات و ارتباطات که فاقد ویژگی حضور طرفین در مجلس واحد است، با کیفیت آن در معاملات عادی فرق دارد؛ به گونه‌ای که تحقق اتصال در این گونه معاملات، تنها متوقف بر وقوع ایجاب و قبول بر بستر یک سامانه واحد است؛ ولو زمان بین آن دو طولانی باشد. به تعبیر دیگر بقای سامانه‌ای که ایجاب بر آن واقع شده تا زمان قبول قابل، موجب اتصال بافت ایجاب و قبول می‌گردد. در عین حال چنانچه بر عدم صدق موالات بر سازوکار مورد بحث پافشاری شود، تحلیل دیگری از تحقق ایجاب و قبول در مورد این سازوکار قابل بیان است که بر اساس آن، موالات بدون اشکال صادق است. در معامله بر بستر فاوا، یک فراخوان عام وجود دارد و آن زمانی است که بنگاه‌ها سامانه خود را در معرض دسترسی کاربران قرار داده و به تبلیغ آن در رسانه‌های گروهی اقدام می‌کنند. ممکن است با دقت در سازوکار این گونه از معاملات به این نتیجه برسیم که اولاً، بر فراخوان عام، ایجاب صادق نمی‌کند؛ ثانیاً، در صورت صدق ایجاب بر آن، فاصله زمانی میان آن با قبول کاربران منجر به اخلال به موالات می‌شود. پس از این فراخوان عام، یک فراخوان خاص وجود دارد و آن زمانی است که کاربر درخواست اتصال به سامانه کرده و سامانه نیز آن را تأیید می‌کند. امکانی که استارت‌آپ در این فراخوان برای کاربر ایجاد کرده و اتصال او به سامانه را تأیید می‌کند، ایجاب محسوب می‌شود. در این صورت از آنجا که فاصله زمانی میان ایجاب استارت‌آپ و قبول کاربر، بیش از حد متعارف حتی نسبت به معاملات عادی نیست، موالات محقق شده و اشکالی در صحت عقد نخواهد بود.

### نتیجه‌گیری

یکی از مسائل مهم پیرامون معامله بر بستر فاوا، رعایت موالات در عقد است. به اعتقاد گروهی از فقیهان مانند سید مرتضی، شیخ طوسی، علامه حلی، فخرالمحققین، شهید اول، شهید ثانی، محقق کرکی، فاضل مقداد، محقق بحرانی، محقق عاملی و شیخ

انصاری موالات شرط صحت عقد است. درحالی که برخی دیگر مانند ابن براج، ابن زهره، محقق اردبیلی، محقق سبزواری، سید مجاهد، محقق اصفهانی، سید حکیم، محقق خوئی و امام خمینی، یا از اشتراط آن سخنی نگفته یا آن را انکار کرده‌اند.

بررسی ادله اشتراط موالات نشان می‌دهد که نه تنها دلیل روایی قرآنی یا روایی خاصی در مورد آن وجود نداشته، بلکه روایت سهل ساعدی بر عدم لزوم رعایت آن دلالت دارد. دیگر ادله‌ای نیز که در مورد اشتراط موالات اقامه شده قابل اشکال‌اند؛ بنابراین می‌توان به عدم اشتراط موالات حکم نمود. در واقع در صحت عقد، بعد مکانی یا زمانی مدخلیت ندارد و مهم باقی ماندن موجب بر التزامی است که در هنگام ایجاب ابراز کرده است؛ بنابراین تخلل فاصله میان ایجاب و قبول، در فرضی که التزام از سوی طرف ایجاب باقی باشد، مخل به صحت عقد نیست.

معامله بر بستر فاوا معاطاتی بوده و اساساً ایجاب و قبول لفظی وجود ندارد تا موالات در آن معتبر باشد. حتی در صورتی که بتوان ایجاب و قبول لفظی را تصویر نمود و یا انشای فعلی را در تحقق عقد کافی دانست، باز هم صحت معامله از ناحیه موالات مخدوش نخواهد شد. چه این که به اعتقاد صحیح‌تر، موالات شرط نبوده و حتی در فرض اشتراط آن، با توجه به اینکه مرجع تحقق آن عرف است و عرف نیز در هر معامله‌ای موالات را به حسب اقتضائات آن ارزیابی می‌کند، با نظر به شرایط حاکم بر معامله بر بستر فاوا، موالات را جاری می‌داند. حتی شاید بتوان با در نظر گرفتن سازوکار این دست از معاملات، بدون لحاظ اقتضائات یادشده و در مقایسه با معاملات عادی نیز موالات را محقق دانست.

## فهرست منابع

۱. ابن ادريس حلي، محمد بن منصور بن احمد. (۱۴۱۰ق). السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى (ج ۲). قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲. ابن براج طرابلسی، قاضي عبدالعزيز. (۱۴۰۶ق). المهذب (ج ۱). قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۳. ابن حجر هيثمي، احمد بن محمد. (۲۰۰۵م). تحفة المحتاج في شرح المنهاج (ج ۲۹). بيروت: دار الكتب العلمية.
۴. ابن زهره، حمزة بن علي حسيني حلي. (۱۴۱۷ق). غنية النزوع الى علمي الاصول والفروع. قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام.
۵. ابن فارس، ابوالحسين احمد. (۱۴۰۴ق). معجم مقائيس اللغة (ج ۲، ۴، ۵، ۶). قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزه علمیه.
۶. ابن قدامة، عبدالله بن احمد. (۱۹۹۷م). المغني (ج ۷). رياض: عالم الكتب.
۷. ابن منظور، جمال الدين محمد بن مكرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (ج ۲، ۸). بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
۸. احسائي، ابن ابی جمهور محمد بن علی. (۱۴۰۵ق). عوالي اللئالی العزیزية (ج ۲). قم: دار سيد الشهداء للنشر.
۹. اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۳ق). مجمع الفائدة والبرهان في شرح ارشاد الاذهان (ج ۱۰). قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۰. اصفهانی، محمدحسین. (۱۴۱۸ق). حاشية كتاب المكاسب (ج ۱). قم: انوار الهدی.
۱۱. انصاری، مرتضی بن محمد امین. (۱۴۱۵ق). كتاب المكاسب (ج ۳). قم: كنگره بزرگداشت شيخ انصاری عليه السلام.
۱۲. آخوند خراسانی، محمد كاظم بن حسين. (۱۴۰۹ق). كفاية الاصول. قم: طبع آل البيت عليه السلام.

۱۳. آل‌عصفور بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم. (۱۴۰۵ق). الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة (ج ۲۱). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۴. بجنوردی، سید حسن. (۱۳۸۰). منتهی الاصول (ج ۱). تهران: مؤسسه عروج.
۱۵. بدالرحمان، محمود. (بی تا). معجم المصطلحات و الالفاظ الفقهية (ج ۱). بی جا: بی نا.
۱۶. تبریزی، میرزا جواد. (۱۴۲۶ق). منهاج الصالحین (ج ۲). قم: مجمع الامام المهدي علیه السلام.
۱۷. جزائری، محمد جعفر. (۱۴۱۵ق). منتهی الدراية فی توضیح الکفایة (ج ۳). قم: مؤسسه دار الكتاب.
۱۸. جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۱۰ق). الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية (ج ۱، ۲، ۶). بیروت: دار العلم للملايين.
۱۹. حسینی روحانی قمی، سید صادق. (۱۴۱۲ق). فقه الصادق (ج ۱۵). قم: دار الكتاب الاسلامی.
۲۰. حسینی روحانی قمی، سید صادق. (۱۴۲۹ق). منهاج الفقاهة (ج ۳). قم: دار الهدی.
۲۱. حسینی شیرازی، سید محمد. (۱۴۲۶ق). الوصول الى کفایة الاصول (ج ۳). قم: دار الحکمه.
۲۲. حسینی عاملی، سید جواد بن محمد. (۱۴۱۹ق). مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة (ج ۱۶). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۳. حسینی مراغی، عبدالفتاح. (۱۴۱۷ق). العناوین (ج ۲). بی جا: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۴. حسینی زبیدی واسطی، محب‌الدین سید محمد مرتضی. (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس (ج ۴، ۲۰). بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع.
۲۵. حلّی اسدی، حسن بن یوسف بن مطهر. (۱۴۱۳ق «الف»). قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام (ج ۲). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۶. حلّی اسدی، حسن بن یوسف بن مطهر. (۱۴۱۳ق «ب»). مختلف الشیعة فی احکام الشریعة (ج ۷). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۷. حلّی اسدی، حسن بن یوسف بن مطهر. (۱۴۱۴ق). تذکرة الفقهاء (ج ۱۷). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

۲۸. حلی اسدی، فخر المحققین محمد بن حسن بن یوسف. (۱۳۸۷ق). ابضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد (ج ۳). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۲۹. حلی سیوری، مقداد بن عبدالله. (۱۴۰۳ق). نضد القواعد الفقہیة علی مذهب الامامیة. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله.
۳۰. حلی سیوری، مقداد بن عبدالله. (۱۴۰۴ق). التنقیح الرائع لمختصر الشرائع (ج ۲). قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله.
۳۱. حلی، حسین. (۱۴۳۲ق). اصول الفقہ (ج ۴). قم: مکتبه الفقہ و الاصول المختصة.
۳۲. حلی، نجم الدین جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ق). شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام (ج ۲). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۳۳. حمیری، نشوان بن سعید. (۱۴۲۰ق). شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم. بیروت: دار الفکر المعاصر.
۳۴. خادمی کوشا، محمدعلی. (۱۳۹۷). شرط توالی در قراردادهای الکترونیکی. پژوهش های فقہی، ۱۴ (۳). صص ۷۰۷-۷۳۰.
۳۵. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغتنامه دهخدا (ج ۱، ۲، ۱۱). تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۳۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دار العلم.
۳۷. زیلعی، عثمان بن علی. (۱۳۱۳ق). تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق (ج ۳). قاهره: دار الکتب الاسلامی.
۳۸. سبحانی، جعفر. (۱۳۹۶). درس خارج فقہ، قم:
- <https://www.eshia.ir/Feqh/Archive/text/sobhani/feqh/961109>
۳۹. سبزواری، محمدباقر. (۱۴۲۳ق). کفایة الاحکام (ج ۱). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۴۰. سرخسی، محمد بن احمد. (۱۴۱۴ق). المبسوط (ج ۶). بیروت: دار المعرفه.
۴۱. سعدی، ابوجیب. (۱۴۰۸ق). القاموس الفقہی لغةً و اصطلاحاً. دمشق: انتشارات دار الفکر.



۴۲. شهیدی تبریزی، میرزا فتح. (۱۳۷۵ق). هدایة الطالب الی اسرار المکاسب (ج ۲). تبریز: چاپخانه اطلاعات.
۴۳. صدر، سید محمدباقر. (۱۴۱۸ق). دروس فی علم الاصول (ج ۱). قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۴۴. طباطبایی حکیم، سید محسن. (۱۴۱۶ق). مستمسک العروة الوثقی (ج ۱۴). قم: مؤسسه دار التفسیر.
۴۵. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم. (۱۴۲۱ق). حاشیة المکاسب (ج ۱). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۴۶. طریحی، فخرالدین. (۱۴۱۶ق). مجمع البحرین (ج ۴). تهران: کتاب فروشی مرتضوی.
۴۷. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (۱۳۸۷ق). المبسوط فی فقه الامامیه (ج ۴). تهران: المكتبة المرتضوية لاحیاء الآثار الجعفرية.
۴۸. عاملی کرکی، علی بن حسین. (۱۴۱۴ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد (ج ۱، ۵، ۸). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۴۹. عاملی، زین الدین بن علی. (۱۴۲۱ق). رسائل الشهد الثاني (ج ۲). قم: انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه.
۵۰. عاملی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۳ق). مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام (ج ۴). قم: مؤسسه معارف اسلامی.
۵۱. عاملی، محمد بن مکی. (بی تا). القواعد و الفوائد (ج ۱). قم: کتاب فروشی مفید.
۵۲. عمیره، احمد برلسی. (۱۴۱۹ق). حاشیة عمیره (ج ۸). بیروت: دار الفکر.
۵۳. غروی نائینی، میرزا محمد حسین. (۱۳۵۲). اجود التقریرات (ج ۱). قم: مطبعة العرفان.
۵۴. غروی نائینی، میرزا محمد حسین. (۱۳۷۳ق). منیة الطالب فی حاشیة المکاسب (ج ۱). تهران: المكتبة المحمدية.
۵۵. غروی نائینی، میرزا محمد حسین. (۱۳۷۶). فوائد الاصول (ج ۲). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۵۶. غروی نائینی، میرزا محمد حسین. (۱۴۱۳ق). المکاسب و البیع (ج ۱). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.

۵۷. فاضل هندی اصفهانی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ق). کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام (ج ۲). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۵۸. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). کتاب العین (تصحیح: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، ج ۲، ۳). قم: هجرت.
۵۹. فیومی، احمد بن محمد مقری. (بی تا). المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی (ج ۲). قم: منشورات دار الرضی.
۶۰. قرشی، سید علی اکبر. (۱۴۱۲ق). قاموس قرآن (ج ۴). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۶۱. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ق). الکافی (ج ۱۰). قم: دار الحدیث للطباعة و النشر.
۶۲. مامقانی، محمد حسن بن ملا عبدالله. (۱۳۱۶ق). غایة الآمال فی شرح کتاب المکاسب (ج ۲). قم: مجمع الذخائر الاسلامیه.
۶۳. مجاهد، سید محمد طباطبایی حائری. (بی تا). کتاب المناهل. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۶۴. محمدی، ابوالحسن. (۱۴۰۰). مبانی استنباط حقوق اسلامی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶۵. مرداوی، علی بن سلیمان. (۱۴۱۹ق). الانصاف فی معرفة الراجع من الخلاف (ج ۸). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶۶. مروج جزائری، سید محمدجعفر. (۱۴۱۶ق). هدی الطالب فی شرح المکاسب (ج ۲). قم: مؤسسه دار الکتب.
۶۷. مشکینی، علی. (بی تا). مصطلحات الفقه. بی جا: بی نا.
۶۸. مصطفوی، حسن. (۱۴۰۲ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم (ج ۹). تهران: مرکز الکتب للترجمة و النشر.
۶۹. مظفر، محمدرضا. (۱۴۳۰ق). اصول الفقه (ج ۱). قم: مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۷۰. موسوی خمینی، سید روح الله. (۱۴۲۱ق). کتاب البیع (ج ۱، ۲). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۷۱. موسوی خمینی، سید روح الله. (۱۴۲۳ق). تهذیب الاصول (ج ۱). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

۷۲. موسوی خمینی، سید مصطفی. (بی تا). مستند تحریر الوسيلة (ج ۲). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله.
۷۳. موسوی خوئی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۷ق). مصباح الفقاهة (ج ۳). قم: انصاریان.
۷۴. موسوی شریف مرتضی، علی بن حسین. (۱۴۱۷ق). المسائل الناصریات. تهران: رابطه الثقافة و العلاقات الاسلامیة.
۷۵. موسوی قزوینی، سید علی. (۱۴۲۴ق). ینابیع الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام (ج ۲). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۷۶. نجفی ایروانی، علی بن عبدالحسین. (۱۴۰۶ق). حاشیة المکاسب (ج ۱). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۷۷. نجفی کاشف الغطاء، محمدحسین. (۱۳۵۹ق). تحریر المجلة (ج ۱). نجف اشرف: المكتبة الرضویة.
۷۸. نظام الاعرج، حسن بن محمد. (بی تا). شرح النظام علی الشافیة. قم: دارالحجة الثقافة.
۷۹. هاشمی شاهرودی، سید محمود. (۱۴۲۶ق). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام (ج ۱). قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.

## References

1. Aamily, Z. (1413 AH). *Masalik al-Afham ila Tanqih Sharae al-Islam* (Vol. 4). Qom: Institute of Islamic Education. [In Arabic]
2. Akhund Khorasani, M. (1409 AH). *Kifayat al-Usul*. Qom: Alulbat Institute. [In Arabic]
3. al-Asfour Bahrani, Y. (1405 AH). *al-Hadaiq al-Nazirah fi Ahkam Itrat al-Tahira* (Vol. 21). Qom: Islamic Publication Office affiliated to the Society of Teachers of Qom Seminary. [In Arabic]
4. Ameli Karaki, A. (1414 AH). *Jami al-Maqasid fi Sharh al-Qawa'id* (Vols. 1, 5 & 8). Qom: Alulbayt Institute. [In Arabic]
5. Ameli, M. (n.d.). *al-Qawa'id va al-Fawa'id* (Vol. 1). Qom: Mofid Bookstore.
6. Ameli, Z. (1421 AH). *Rasa'il al-Shahid al-Thani* (Vol. 2). Qom: Publications of the Islamic Propagation Office of Qom Seminary. [In Arabic]
7. Amira, A. (1419 AH). *Hashieh Amira* (Vol. 8). Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
8. Ansari, M. (1415 AH). *Kitab al-Makasib* (Vol. 3). Qom: Sheikh Ansari Commemoration Congress. [In Arabic]
9. Ardebili, A. (1403 AH). *Majma' al-Fa'idah va al-Burhan fi Sharh Irshad al-Azhan* (Vol. 10). Qom: Islamic Publication Office affiliated to the Society of Teachers of Qom Seminary.
10. Bad al-Rahman, M. (n.d.). *Mujam al-Mustalahat va al-Alfaz al-Fiqhiya* (Vol. 1).
11. Bojnourdi, S. H. (1380 AP). *Muntahi al-Usul* (Vol. 1). Tehran: Orouj Institute. [In Persian]
12. Dehkhoda, A. A. (1377 AP). *Dehkhoda dictionary* (Vols. 1, 2 & 11). Tehran: Publishing and Printing Institute of Tehran University. [In Persian]
13. Ehsa'ei, I. A. (1405 AH). *Awali al-La'ali al-Azizia* (Vol. 2). Qom: Dar Seyyed al-Shuhada le al-Nashr. [In Arabic]
14. Esfahani, M. H. (1418 AH). *Hashiya Kitab al-Makasib* (Vol. 1). Qom: Anwar al-Hoda. [In Arabic]
15. Farahidi, K. (1410 AH). *Kitab al-Ain* (Makhzoumi, M., & Sameraei, E, Ed., Vols. 2 & 3). Qom: Hejrat. [In Arabic]



16. Fayoumi, A. (n.d.). *al-Masbah al-Munir fi Gharib al-Sharh al-Kabir le al-Rafe'ei* (Vol. 2). Qom: Dar al-Razi Publications.
17. Fazel Hendi Esfahani, M. (1416 AH). *Kashf al-Latham va al-Abham an Qawa'id al-Ahkam* (Vol. 2). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Teachers of Qom Seminary. [In Arabic] From: <https://www.eshia.ir/Feqh/Archive/text/sobhani/feqh/96/961109> [In Persian]
18. Gharavi Naeini, M. M. H. (1352 AP). *Ajwad al-Taqirrat* (Vol. 1). Qom: al-Irfan Press. [In Persian]
19. Gharavi Naeini, M. M. H. (1373 AH). *Maniya al-Talib fi Hashiya al-Makasib* (Vol. 1). Tehran: Maktabah al-Mohammadiya. [In Arabic]
20. Gharavi Naeini, M. M. H. (1376 AP). *Fawa'id al-Asul* (Vol. 2). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Teachers of Qom Seminary. [In Persian]
21. Gharavi Naeini, M. M. H. (1413 AH). *al-Makasib va al-Ba'i* (Vol. 1). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Teachers of Qom Seminary. [In Arabic]
22. Hashemi Shahroudi, S. M. (1426 AH). *The dictionary of fiqh according to the religion of Ahl al-Bayt* (Vol. 1). Qom: Institute of Islamic jurisprudence encyclopedia on the religion of Ahl al-Bayt. [In Arabic]
23. Heli Asadi, F. (1387 AH). *Izah al-Fawa'id fi Sharh Mushkilat al-Qawa'id* (Vol. 3). Qom: Ismailian Institute. [In Arabic]
24. Heli Asadi, H. (1413 AH). *Mukhtalaf al-Shia fi Ahkam al-Sharia* (Vol. 7). Qom: Islamic Publication Office affiliated the Society of Teachers of Qom Seminary. [In Arabic]
25. Heli Asadi, H. (1413 AH). *Qawa'id al-Ahkam fi Ma'arifah al-Halal va al-Haram* (Vol. 2). Qom: Islamic Publication Office affiliated to the Society of Teachers of Qom Seminary. [In Arabic]
26. Heli Asadi, H. (1414 AH). *Tadzkirah al-Fuqaha* (Vol. 17). Qom: Alulbayt Institute. [In Arabic]

27. Heli Seivari, M. (1403 AH). *Nazd al-Qawa'id al-Fiqhiya ala Madhab al-Imamiyah*. Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library. [In Arabic]
28. Heli Seivari, M. (1404 AH). *al-Tanqih al-Ra'e le Mukhtasar al-Shari'a* (Vol. 2). Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library. [In Arabic]
29. Helli, H. (1432 AH). *Usul al-Fiqh* (Vol. 4). Qom: Maktabah al-Fiqh va al-Usul al-Mukhtasa. [In Arabic]
30. Helli, N. (1408 AH). *Shara'e al-Islam fi Masa'el al-Halal va al-Haram* (Vol. 2). Qom: Ismailian Institute. [In Arabic]
31. Himyari, N. (1420 AH). *Shams al-Uloom va Dawa' Kalam al-Arab Min al-Kalum*. Beirut: Dar al-Fikr al-Mu'asir. [In Arabic]
32. Hosseini Ameli, S. J. (1419 AH). *Miftah al-Kiramah fi Sharh Qawa'id al-Allama* (Vol. 16). Qom: Islamic Publication Office affiliated to the Society of Teachers of Qom Seminary. [In Arabic]
33. Hosseini Maraghi, A. (1417 AH). *al-Anawin* (Vol. 2). al-Nashr al-Islami Institute. [In Arabic]
34. Hosseini Rohani Qomi, S. S. (1412 AH). *Fiqh al-Sadiq* (Vol. 15). Qom: Dar al-Kitab al-Islami. [In Arabic]
35. Hosseini Rohani Qomi, S. S. (1429 AH). *Minhaj al-Fiqahah* (Vol. 3). Qom: Dar al-Huda. [In Arabic]
36. Hosseini Shirazi, S. M. (1426 AH). *al-Vosul ila Kifaya al-Usul* (Vol. 3). Qom: Dar al-Hikma. [In Arabic]
37. Hosseini Zubeydi Vaseti, M. S. M. M. (1414 AH). *Taj al-Arous min Jawahir al-Qamoos* (Vol. 20, 4). Beirut: Dar al-Fikr le Taba'ah va al-Nashr va al-Tawzi'. [In Arabic]
38. Ibn Baraj Terablosi, Q. (1406 AH). *al-Muhadab* (Vol. 1). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Islamic Seminary Teachers Association. [In Arabic]
39. Ibn Faris, A. (1404 AH). *Mujam Maqqaees al-Lugha* (Vols. 2, 4, 5 & 6). Qom: Publications of the Islamic Propagation Office of Qom Seminary. [In Arabic]

40. Ibn Hajar Heitami, A. (2005). *Tuhfa al-Muhtaj fi Sharh al-Minhaj* (Vol. 29). Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiya.
41. Ibn Idris Helli, M. (1410 AH). *al-Sara'er al-Hawi le Tahrir al-Fatawi* (Vol. 2). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Islamic Seminary Teachers Association. [In Arabic]
42. Ibn Manzoor, J. (1414 AH). *Lisan al-Arab* (Vols. 2 & 8). Beirut: Dar al-Fikr le Tab'a'ah va al-Nashr va al-Tawzi'. [In Arabic]
43. Ibn Qudama, A. (1997). *al-Mughni* (Vol. 7). Riyadh: Alam al-Kotob.
44. Ibn Zohreh, H. (1417 AH). *Ghaniya al-Nozoo ila Ilmi al-Usul va al-Faroo*. Qom: Imam Sadiq Institute. [In Arabic]
45. Jaz'eri, M. J. (1415 AH). *Muntahi al-Diraya fi Tawzih al-Kifaya* (Vol. 3). Qom: Dar al-Kitab Institute. [In Arabic]
46. Johari, I. (1410 AH). *al-Sahaha Taj al-Lugha va Sahah al-Arabiya* (Vols. 1, 2 & 6). Beirut: Dar al-Ilm le al-Mala'een. [In Arabic]
47. Khademi Kousha, M. A. (1397 AP). Sequence condition in electronic contracts. *Jurisprudential Research*, 14(3). pp. 707-730. [In Persian]
48. Koleyni, M. (1429 AH). *al-Kafi* (Vol. 10). Qom: Dar al-Hadith le Tab'a'ah va al-Nashr. [In Arabic]
49. Mamqani, M. (1316 AH). *Ghayat al-Amal fi Sharh Kitab al-Makasib* (Vol. 2). Qom: Majma al-Dakha'er al-Islamiya. [In Arabic]
50. Mardawi, A. (1419 AH). *al-Insaf Fi Marafah al-Rajeh Min al-Khilaf* (Vol. 8) Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi.
51. Meshkini, A. (n.d.). *Fiqh terms*.
52. Mohammadi, A. (1400 AP). *Basics of inferring Islamic law*. Tehran: Tehran University Press.
53. Mojahed, S. M. T. (n.d.). *Kitab al-Manahil*. Qom: Alulbayt Institute.
54. Moravej Jazayer, S. M. J. (1416 AH). *Huda al-Talib fi Sharh al-Makasib* (Vol. 2). Qom: Dar al-Kitab Institute. [In Arabic]
55. Mostafavi, H. (1402 AH). *al-Tahqiq fi Kalamat al-Qur'an al-Karim* (Vol. 9). Tehran: Markaz al-Kitab le Tarjomah va al-Nashr. [In Arabic]

56. Mousavi Khoi, S. A. (1417 AH). *Misbah al-Fiqahah* (Vol. 3). Qom: Ansarian. [In Arabic]
57. Mousavi Khomeini, S. M. (n.d.). *Mustand Tahrir al-Wasila* (Vol. 2). Tehran: The Institute for Preparation and Publications of Imam Khomeini's Works.
58. Mousavi Khomeini, S. R. (1421 AH). *Kitab al-Ba'i* (Vols. 1 & 2). Tehran: The Institute for Preparation and Publications of Imam Khomeini's Works. [In Arabic]
59. Mousavi Khomeini, S. R. (1423 AH). *Tahdib al-Usul* (Vol. 1). Tehran: The Institute for Preparation and Publications of Imam Khomeini's Works. [In Arabic]
60. Mousavi Qazvini, S. A. (1424 AH). *Yanbi al-Ahkam fi Ma'arifah al-Halal va al-Haram* (Vol. 2). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Teachers of Qom Seminary. [In Arabic]
61. Mousavi Sharif Morteza, A. (1417 AH). *al-Masa'il al-Nasiriyat*. Tehran: Islamic Culture and Relations Association. [In Arabic]
62. Muzaffar, M. R. (1430 AH). *Usul al-Fiqh* (Vol. 1). Qom: Islamic Publications Institute affiliated with the Society of Teachers of Qom Seminary. [In Arabic]
63. Najafi Irwani, A. (1406 AH). *Hashiya al-Makasib* (Vol. 1). Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Arabic]
64. Najafi Kashif al-Ghita, M. H. (1359 AH). *Tahrir al-Majala* (Vol. 1). Najaf: al-Maktab al-Razawiyah. [In Arabic]
65. Nizam al-Araj, H. (n.d.). *Sharh al-Nizam ala al-Shafiyyah*. Qom: Dar al-Hajjah al-Thaqafah.
66. Qureshi, S. A. A. (1412 AH). *Qamous Qur'an* (Vol. 4). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya. [In Arabic]
67. Ragheb Esfahani, H. (1412 AH). *Mufradat Alfaz al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Ilm. [In Arabic]
68. Saadi, A. (1408 AH) *al-Qamoos al-Fiqhi, Lughah va Istilaha*. Damascus: Dar al-Fikr Publications. [In Arabic]



69. Sabzevari, M. B. (1423 AH). *Kifayat al-Ahkam* (Vol. 1). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Teachers of Qom Seminary. [In Arabic]
70. Sadr, S. M. B. (1418 AH). *Dorous fi Ilm al-Usul* (Vol. 1). Qom: Islamic Publishing Institute. [In Arabic]
71. Sarakhsi, M. (1414 AH). *al-Mabsut* (Vol. 6). Beirut: Dar al-Ma'arifah. [In Arabic]
72. Shahidi Tabrizi, M. F. (1375 AH). *Hidaya al-Talib ila Asrar al-Makasib* (Vol. 2). Tabriz: Information Printing House. [In Arabic]
73. Sobhani, J. (1396 AP). *Kharij Fiqh Course*, Qom:
74. Tabatabaei Hakim, S. M. (1416 AH). *Mustamsek al-Urwah al-Wosqa* (Vol. 14). Qom: Dar al-Tafseer Institute. [In Arabic]
75. Tabatabaei Yazdi, S. M. K. (1421 AH). *Hashiya al-Makasib* (Vol. 1). Qom: Ismailian Institute. [In Arabic]
76. Tabrizi, M. J. (1426 AH). *Minhaj al-Salehin* (Vol. 2). Qom: Imam al-Mahdi Assembly. [In Arabic]
77. Tarehi, F. (1416 AH). *Majma' al-Bahrain* (Vol. 4). Tehran: Mortazavi Bookstore. [In Arabic]
78. Tusi, A. (1387 AH). *al-Mabsut fi fiqh al-Imamiya* (Vol. 4). Tehran: al-Maktabah al-Mortazawiyya, Le Ihya al-Athar al-Jafariya. [In Arabic]
79. Zilaei, O. (1313 AH). *Tab'een al-Haqa'iq Sharh Kanz al-Daqa'eq* (Vol. 3). Cairo: Dar al-Kitab al-Islami. [In Arabic]